

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردبیر

در بحث از اطلاعات، ویژگی‌هایی را برای آن برمی‌شمارند که هر یک ممکن است برخاسته از نگرش و تلقی خاص حرفه‌ای و تخصصی باشد، بدون آنکه بتوان در صحت انتساب هر یک از آن ویژگی‌ها تردید کرد. حرفه اطلاع‌رسانی نیز، که ناگزیر از وجوه مختلف به چستی و چونی اطلاعات می‌نگرد، برای آن خصوصیتی قائل است که طبعاً به دلایل نظری و تجربی به آنها رسیده است و این نگرش در موضع خود از اهمیت برخوردار است. از جمله این ویژگی‌ها خصلت "دوگانگی" اطلاعات است.

تعارض یا دوگانگی به عنوان یکی از عوارض اطلاعات - ذات اطلاعات هر چه باشد - دارای جلوه‌های بیرونی شناخته شده‌ای است که اشاره به آنها خالی از فایده نیست. دوگانگی اطلاعات را دست کم در چهار جنبه زیر می‌توان بازشناخت:

الف. اطلاعات هم بیش از اندازه مورد نیاز است و هم کمتر از حد نیاز. از یک سو، سخن از انفجار و انبوهی اطلاعات به میان می‌آید که بازتاب آن دشواری در کنترل، دستیابی، نگهداری، و روزآمدسازی اطلاعات است و توجه کلیه مسئولان و دست‌اندرکاران اطلاع‌رسانی را به خود معطوف داشته است و همه تدابیر و ابزارها برای مواجهه با آن به خدمت گرفته می‌شود. از سوی دیگر، برنامه‌ریزان و پژوهندگان به هنگام حل مسائل خاص خود یا تعریف و تعیین استراتژی‌های خرد و کلان، دچار کمبود اطلاعات مورد نیاز و نظر خود هستند. این نقصان یا به دلیل نبود اطلاعاتی است که مشخصاً برای مسئله‌ای خاص مورد نیاز است یا به سبب دشواریاب بودن آن از میان انبوه اطلاعات غیرمرتبط و پراکنده است، که در واقع چندان متفاوت با نبود اطلاعات نیست.

این تعارض را پیوسته می‌توان از خلال تجربه‌ها یا اظهارنظرهای کسانی که بدون داشتن اطلاعات قادر به انجام فعالیت‌های علمی و تخصصی خود نیستند به خوبی دریافت.

ب. اعتبار اطلاعات هم در تولید فردی آن است و هم در تولید اجتماعی آن. از یک سو، اعتبار سنجی اطلاعات براساس پدید آورنده آن صورت می‌گیرد و منشأ تولید آن به عنوان ملاک ارزش‌گذاری تعیین می‌شود، و راهی نیز جز این نیست. زیرا، استفاده‌کننده مجال و امکان پی‌جویی جهت کشف صحت و سقم اطلاعات را ندارد و باید ملاک‌هایی را بپذیرد؛ که مبدأ تولید یکی از آن ملاک‌هاست. از سوی دیگر، ارزش‌گذاری اطلاعات - به‌ویژه اطلاعات علمی - در حرکت اجتماعی آن است. در واقع، باز تولیدی، بازپروری، و بازپزدازی اطلاعات است که نشان می‌دهد تا چه پایه از اعتبار برخوردار است. اطلاعاتی که مبدأ و مقصد آن خود تولیدکننده است و جامعه علمی آن را به کار نمی‌گیرد و پویشی در آن نیست، طبعاً به‌عنوان اطلاعات نه چندان قابل اعتنا و اعتبار در خلوت تولیدکننده منزوی خواهد ماند.

تجربه عملی و حرفه‌ای اطلاع‌رسانان - خصوصاً کسانی که در کتابخانه‌های پویای حوزه‌های مختلف به کار اشتغال دارند - بیش از همه قادرند که از طریق ضبط مراجعات کاربران، این خصلت دوگانه را دریابند.

ج. مالکیت اطلاعات هم مالکیتی فردی و هم مالکیتی اجتماعی است. حقوق معنوی و مادی اطلاعات طبق قوانین بین‌المللی متعلق به تولیدکننده آن است، و این حق ممکن است حقیقی یا حقوقی باشد. بدیهی است که به عنوان محصول و کالایی که مالکیت بر آن جاری است، تولیدکننده می‌تواند برای پرهیز از تجاوز و تعدی به مایملک خود، به حبس آن اقدام کند. اما جامعه نیز با شرایطی که برای پدید آمدن آن فراهم آورده است خود را صاحب حق می‌داند که آن کالا را تولید مجدد کند، به توزیع آن پردازد، و در معرض استفاده قرار دهد. استفاده از اطلاعات، پس از توزیع، در کنترل هیچ قدرتی نیست. هر کس ممکن است آن‌گونه که مناسب نیاز خود می‌داند آن را به کارگیرد. وجه اقتصادی اطلاعات نیز چنین گستره‌ای را فراهم می‌کند تا از این طریق سرمایه‌گذاری در بخش اطلاعات به سوددهی متناسبی بینجامد.

این تعارض، امروزه، حتی از منظر حقوق و فقه نیز به سرانجام روشنی نرسیده و با حضور بلامنافع فن‌آوری‌های گوناگون بر شدت و پیچیدگی آن افزوده می‌شود.

د. اطلاعات هم پایدار است و هم ناپایدار. بحث روزآمدی و بهنگام بودن اطلاعات مورد تردید کسی نیست، خصوصاً در حوزه‌هایی محدودۀ این بهنگام بودن بسیار تنگ و کوتاه است. یکی از عناصری که هر کاربری هنگام بازیابی اطلاعات به آن توجه می‌کند تاریخ تولید آن است. در ارزش‌گذاری مآخذ و مستندات کارهای پژوهشی نیز این عنصر از اهمیتی ویژه برخوردار

است. از سوی دیگر، اطلاعاتی که به عنوان اطلاعات کهنه و فرسوده در مطالعاتی به کناری نهاده می‌شود، به عنوان اسناد و منابع ارزشمند برای مطالعات تاریخی حفظ می‌گردد و با سرمایه‌گذاری‌های کلان و اختصاص فضاهای مناسب به‌عنوان مدارکی شایسته استناد ساماندهی و نگهداری می‌شود.

اخبار سیاسی جراید و مطبوعات در مطالعات جامعه‌شناسی، ارزشی‌گاه یک‌روزه دارند، و در مطالعات تاریخی چند قرن گذشت زمان نیز از اعتبار آنها نمی‌کاهد. این تفاوت در رسالت کتابخانه‌ها از یک سو و مراکز اسناد از سوی دیگر کاملاً مشهود است. آنچه حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با آن دست به‌گریبان است رویارویی بجا و پسندیده با این‌گونه تعارض‌ها و یافتن و ارائه راهکارهای مناسب جهت انتخاب طریق مناسب در موقعیت مناسب است.

عباس حری